



Res. article

An Investigation into the Analyticity/Syntheticity of the Verbal Inflectional Categories in Khezeli Kurdish Dialect

Masoud Mirzabeigi¹, Habib Gowhari^{2✉}, Tayebeh Khoshbakht², Akbar Azizifar³

1- Ph.D. Student of Linguistics, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 2- Assistant Professor, Department of Linguistics, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran. 3- Assistant Professor, Department of Teaching English Language, Ilam University of Medical Sciences, Ilam, Iran

Received: 2019/23/02

Accepted: 2019/30/04

Abstract

Khezeli Kurdish dialect is a branch of the South-Western Iranian languages family. The purpose of this research is to describe the verbal inflectional categories of Khezeli and to investigate the analyticity/syntheticity degree of these categories. The data were extracted from a corpus of audio files and transcribed notes gathered from native speakers living in Karezan district of Ilam province. The tense, mood, and aspect categories in Khezeli are coded fusionally. Thus, these three categories were investigated as one category called tense-aspect-mood (TAM) category. The results indicated TAM category is coded both synthetically and analytically. In addition, the voice, polarity, agreement and causative categories are generally synthetically coded. The category-per-word value (cpw) is determined by counting the number of the inflected categories in the maximally inflected verb form. The obtained cpw value for Khezeli is 6-7 and, in this regard, Khezeli Kurdish dialect is classified among the most common languages of the world.

Keywords: Khezeli Kurdish dialect, verbal inflectional categories, syntheticity, analyticity.

Citation: Mirzabeigi, M., Gowhari, H., Khoshbakht, T., Azizifar, A. (2020). An Investigation into the Analyticity/Syntheticity of the Verbal Inflectional Categories in Khezeli Kurdish Dialect. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (30), 91-108. (In Persian)





ترکیبی / تحلیلی بودگی مقوله‌های تصریفی فعل در کردی خزلی

مسعود میرزا بیگی^۱، حبیب گوهری^۲، طیبه خوشبخت^۳، اکبر عزیزی فر^۴

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. ۳- استادیار گروه زبان‌های خارجی، دانشگاه علوم پزشکی، ایلام، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۰

دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر توصیف، تبیین و بررسی تحلیلی / ترکیبی بودگی مقوله‌های تصریفی فعل شامل زمان، نمود، وجه، جهت، قطبیت، مطابقه و سببی‌سازی در کردی خزلی از خانواده کردی جنوبی است. داده‌ها از بررسی فایل‌های صوتی به صورت پیکره‌ای، مصاحبه‌های هدایت‌شده و یادداشت‌های آوانویسی‌شده از گویشوران بومی روستاهای کارزان در استان ایلام طی سال‌های ۱۳۹۶ تا گردآوری شده‌اند. مقوله‌های زمان، وجه و نمود در این گونه زبانی هم‌پوشانی دارند؛ بنابراین، به‌مثابه یک مقوله بررسی شدند. نتایج نشان داد که مقوله زمان-وجه-نمود در این گونه زبانی به‌طور عمده به‌صورت ترکیبی و در مواردی هم به‌صورت ترکیبی و هم به‌صورت تحلیلی بازنمایی می‌شود؛ افزون بر این، در کردی خزلی مقوله‌های قطبیت، جهت، مطابقه و سببی‌سازی نیز به‌طور عمده به‌صورت ترکیبی بازنمایی می‌شوند. میزان ترکیبی‌بودگی یک فعل براساس صورتی از فعل که بیشترین میزان ترکیبی‌بودگی را دارد، تعیین و براساس ارزش تعداد مقوله-در-واژه محاسبه می‌شود. این ارزش در این گونه زبانی ۶ تا ۷ به‌دست آمد که از این نظر کردی خزلی در زمره زبان‌های رایج دنیا رده‌بندی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کردی خزلی، مقوله‌های تصریفی فعل، ترکیبی‌بودگی، تحلیلی‌بودگی.

استناد: میرزا بیگی، مسعود؛ گوهری، حبیب؛ خوشبخت، طیبه؛ عزیزی فر، اکبر (۱۳۹۹). ترکیبی / تحلیلی‌بودگی مقوله‌های تصریفی فعل در کردی

خزلی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۸ (۳۰)، ۹۱-۱۰۸.



۱- مقدمه

رده‌شناسی صرفی^۱ به مطالعه و دسته‌بندی زبان‌ها براساس ساختمان واژگان هر زبان می‌پردازد. رویکردهای رده‌شناسی صرفی به زبان‌ها، با گذشت زمان، دست‌خوش تغییر از رویکردهای کلی‌نگر به سمت رویکردهای مشخصه‌محور^۲ بوده‌اند. در رویکردهای کلی‌نگر، به‌طور کلی گرایش به شناسایی و تعیین چندین ردهٔ زبانی و قراردادن زبان‌های بشری در یکی از این رده‌ها بوده است (شوپن^۳، ۱۹۸۱). در مقابل، رویکرد مشخصه‌محور فرایندهای صرفی موجود در هر زبان را به‌صورت جداگانه بررسی می‌کند و براساس این، زبان‌هایی که طبق یک یا چند فرایند صرفی خاص در یک رده قرار می‌گیرند، ممکن است براساس فرایند یا فرایندهای صرفی دیگری در رده‌های مختلف جای داده شوند؛ برای مثال، زبان انگلیسی در فرایند صرفی اشتقاق بیشتر زبانی ترکیبی است، درحالی‌که در فرایند تصریفی جهت، بیشتر تحلیلی است.

مهم‌ترین مقوله‌های تصریفی فعل برای بیشتر زبان‌های دنیا زمان^۴، وجه^۵، نمود^۶، قطبیت^۷، جهت^۸، مطابقه^۹ و سببی‌سازی^{۱۰} هستند. از میان این مقوله‌ها، سه مقولهٔ زمان، وجه و نمود به‌طور معمول دارای درهم‌تنیدگی ساختاری‌اند؛ به‌گونه‌ای که بررسی هر کدام به‌طور مجزا دشوار یا غیر ممکن است (بیکل و نیکولز^{۱۱}، ۲۰۱۳؛ بویج^{۱۲}، ۲۰۰۷)؛ از این‌رو، روش متعارف برای بررسی این سه مقوله، بررسی هم‌زمان مقولهٔ زمان-وجه-نمود است که از این شیوه در پژوهش حاضر پیروی شده است.

در نوشتار پیش رو مقوله‌های تصریفی فعل در کردی خزلی معاصر توصیف شده و نیز میزان ترکیبی / تحلیلی‌بودگی آن‌ها، بررسی شده است. گویشوران بومی این گونهٔ زبانی به‌طور عمده در مجموعه روستاهای بخش کارزان در استان ایلام، بخش فیروزان در استان همدان و نیز در قسمت‌هایی از شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه سکونت دارند. مقوله‌های تصریفی و نحوهٔ بازنمایی آن‌ها در

1. Morphological Typology
2. feature based
3. T. Shopen
4. tense
5. mood
6. aspect
7. polarity
8. voice
9. agreement
10. causative
11. B. Bickel & J. Nichols
12. G. Booij

زبان‌های مختلف اهمیت زیادی در مطالعات رده‌شناختی زبان دارند. در مورد نحوه‌ی بازنمایی این مقوله‌ها در زبان‌های ایرانی و غیر ایرانی پژوهش‌های بی‌شماری انجام گرفته است که در ادامه به تعداد محدودی از آن‌ها اشاره می‌شود. بررسی‌های لمبتون^۱ (۱۹۷۴) نشان می‌دهد که برخی مقوله‌های تصریفی فعل در زبان فارسی همچون زمان دستوری، وجه، نمود، قطبیت، مطابقت و سببی‌سازی به صورت ترکیبی بازنمایی می‌شوند. براساس بررسی‌های وی، ارزش تعداد مقوله در واژه برای زبان فارسی (۴-۵)^۲ محاسبه شده است (درایر و هاسپلمث^۳، ۲۰۱۳).

در پژوهشی دیگر، عباسی و نجفیان (۱۳۹۵)، نظام زمان-وجه-نمود را در گویش هورامی پاره‌ای از خانواده‌ی هورامی-گورانی-زازا، از زبان‌های ایرانی شاخه‌ی شمال غربی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش پیش‌گفته نشان می‌دهد که مقوله‌های زمان-وجه-نمود و جهت در زبان هورامی از نوع ترکیبی هستند؛ همچنین، کریمی‌دوستان و ویسی‌حصار (۱۳۸۷) در بررسی ساخت مجهول در گویش‌های کردی سورانی، اردلانی، کلهری، ایلامی و هورامی نشان داده‌اند که ماده‌ی مجهول‌ساز 'ya-'^۴ که در ساخت‌های مجهولی ساخت‌وازی در زبان‌های ایرانی باستان به ریشه‌ی فعل اضافه شده و تشکیل ماده‌ی مجهول می‌داده، در گونه‌های مختلف کردی به صورت 'yâ-' و 'ya-' باقی مانده است. مثال‌های تطبیقی این پژوهش‌گران از ساخت مجهول در زبان‌های فارسی و انگلیسی و مقایسه‌ی آن‌ها با ساخت مجهول در گویش‌های مختلف زبان کردی نشان می‌دهد که ساخت مجهول در زبان‌های فارسی و انگلیسی فرایندی تحلیلی اما در گونه‌های کردی فرایندی ترکیبی است.

در نهایت، گوهری و دیگران (۱۳۹۸) نظام مطابقت فاعلی و مفعولی و عوامل مؤثر بر آن‌ها را در کردی ایلامی بررسی کردند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که در این گونه پسوند‌های نشانه‌ی مطابقت فاعلی روی فعل (پس از نشانه‌ی زمان) ظاهر می‌شوند و پیوسته‌های نشانه‌ی مطابقت مفعولی نیز به صورت اختیاری گاهی پس از پسوند‌های فاعلی و گاهی با عناصر دیگر مانند جزء غیر فعلی فعل مرکب ظاهر می‌شوند.

۲- روش پژوهش

عمده‌ی داده‌های استفاده‌شده در پژوهش حاضر را یکی از نگارندگان که خود از گویشوران کردی خزلی

1. A. K. S. Lambton

۲- براساس درایر و هاسپلمث (۲۰۱۳)، ارزش مقوله در واژه به تعداد مقوله‌های تصریفی فعل گفته می‌شود که بازنمایی صرفی داشته باشند و به صورت تصریفی در ساختمان فعل صورت‌بندی شوند.

3. M. S. Dryer & M. Haspelmath

۴- آواهای [a]، [â]، [y] و [â] یادشده در مقاله پیش‌گفته، در جدول IPA به ترتیب به صورت [j]، [α] و [æ] نشان داده می‌شوند.

است، به صورت پیکره‌ای از کلام ضبط‌شده گویشوران، مصاحبه‌های هدایت‌شده و یادداشت‌های آوانویسی‌شده در طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۶ گردآوری کرده است. به‌منظور اطمینان از اعتبار داده‌ها، گویشوران از میان افراد مسن و ساکنان بومی انتخاب شدند. برای انجام این پژوهش، ساختمان فعل در داده‌های جمع‌آوری‌شده در دو مرحله بررسی شد. ابتدا، ساختمان فعل از نظر مقوله‌های تصریفی در این گونهٔ زبانی به صورت توصیفی بررسی؛ سپس، براساس این توصیف، تحلیلی یا ترکیبی بودگی هرکدام از این مقوله‌ها واکاوی شد. در مرحلهٔ دوم، برای تعیین میزان ترکیبی بودگی از معیار تعداد مقوله-در-واژه^۱ استفاده شد.

۳- چارچوب نظری

پژوهش حاضر در چارچوب نظری رویکرد مشخصه‌محور و براساس معیارهای مشخصه‌گرای اطلس جهانی ساخت زبان‌ها^۲ (درایر و هاسپلمث، ۲۰۱۳) و به‌روش مطالعات هم‌زمانی^۳ انجام گرفته و به تحلیل‌شدگی که موضوعی درزمانی^۴ است، نپرداخته است. مقوله‌های ذاتی تصریفی فعل شامل زمان، نمود، وجه، قطبیت، مطابقه، جهت و سببی‌سازی است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. آگوستین^۵ (۱۹۶۰) قائل به وجود سه زمان است: زمان گذشته، زمان حال و زمان آینده. براساس نظر گیون^۶ (۲۰۰۱: ۲۸۶) سه زمان اصلی و یک زمان چهارم که ماهیت آن قدری مبهم است، قابل تمایز است: زمان گذشته، زمان آینده، زمان حال و زمان عادی. کامری^۷ (۱۹۸۵) در دسته‌بندی زمان‌ها، از سه زمان گذشته، حال و آینده نام برده است. نکتهٔ قابل توجه در دسته‌بندی کامری (۱۹۸۵: ۳۹) این است که وی مفهوم عادی را به‌مثابهٔ زمان چهارمی در کنار سه زمان دیگر فهرست نکرده است، بلکه به‌طور کلی این مفهوم را مرز بین نظام‌های زمان، وجه و نمود می‌داند. شوپن (۱۹۸۱) نیز دسته‌بندی‌ای مشابه گیون (۲۰۰۱) انجام داده و از چهار زمان گذشته، حال، آینده و دور^۸ نام برده است.

وجه مقوله‌ای تصریفی مرتبط با فعل است که دیدگاه گوینده را نسبت به قطعی یا غیر قطعی بودن کنش یا وضعیتی روشن می‌کند. درواقع، گوینده به وسیلهٔ وجه، نگرش خود را نسبت به جریان وقوع

1. category-per-word
2. World Atlas of Languages Structures
3. synchronic
4. diachronic
5. S. Augustine
6. T. Givón
7. B. Comrie
8. distal/remote/metrical

فعل بیان می‌کند. استامپ^۱ (۲۰۰۱) وجه را مقوله‌ای از ویژگی‌های صرفی - نحوی فعل می‌داند که به‌مثابه ویژگی ذاتی فعل راه‌هایی که موضوعی ممکن است با واقعیت موجود در ذهن گوینده مرتبط باشد را از هم متمایز می‌کند.

کامری (۱۹۷۶: ۴ و ۲۵) با تأکید بر تفاوت میان زمان و نمود، نمود را به‌منزله شیوه‌های گوناگون مشاهده سازواری زمانی درونی^۲ یک موقعیت معرفی می‌کند. کامری با بیان مثالی از زمان‌های گذشته ساده و گذشته استمراری در زبان انگلیسی بیان می‌کند که تفاوت این دو جمله در زمان فعل نیست؛ زیرا زمان هر دو فعل گذشته است؛ اما آنچه باعث تمایز این دو می‌شود، نمود دو فعل است که در گذشته استمراری نمود ناقص و در گذشته ساده نمود کامل دارد. وی در یک دسته‌بندی کلی، نمود را به دو دسته کامل^۳ و ناقص^۴ تقسیم می‌کند. نمود ناقص خود به دو دسته عادی^۵ و تداومی^۶ تقسیم می‌شود و نمود ناقص تداومی نیز شامل دو نوع استمراری^۷ و غیر استمراری^۸ است.

قطبیت به‌مثابه مقوله‌ای دستوری یا منطقی به موضوع تمایز بین مثبت یا منفی بودن می‌پردازد. هیچ‌گونه زبانی که فاقد منفی‌سازی باشد یافت نشده است. منفی‌سازی مقوله‌ای جهانی به‌شمار می‌آید (آیخنوالد و دیکسون^۹، ۱۹۹۸). براساس گیون (۲۰۰۱: ۳۹۵) سه دسته منفی‌سازی در زبان یافت می‌شوند: منفی‌سازی نحوی، منفی‌سازی صرفی و منفی‌سازی ذاتی^{۱۰} (واژگانی). گیون (۲۰۰۱) و بولینگر^{۱۱} (۱۹۶۸) منفی‌سازی نحوی را رایج‌ترین نوع منفی‌سازی دانسته‌اند. جهت، مقوله‌ای تصریفی است که به گروه‌های اسمی این اجازه را می‌دهد که در کانون (مرکز توجه) جملات قرار گیرند (لیبر^{۱۲}، ۲۰۰۹).

در جملات معلوم، عامل^{۱۳} به‌واسطه فاعل بودن در کانون توجه قرار دارد؛ اما در جملات مجهول این پذیرنده^{۱۴} است که به‌دلیل قرارگرفتن در جایگاه فاعل، در کانون توجه قرار می‌گیرد. دربارهٔ مطابقه،

1. G. Stump
2. internal temporal constituency
3. perfective
4. imperfective
5. habitual
6. continuous
7. progressive
8. nonprogressive
9. A. Aikhenvald & R. M. W. Dixon
10. inherent negation
11. D. Bolinger
12. R. Lieber
13. agent
14. patient

می‌توان گفت مطابقه پدیده‌ای زبانی است که در آن مشخصه‌های معینی از یک عنصر (ناظر^۱) صورت صرفی عنصر دیگر (هدف^۲) را تعیین می‌کنند. یکی از شناخته‌شده‌ترین روابط مطابقه، مطابقه مشخصه‌های شخص و شمار بین فاعل یک جمله (ناظر) و فعل زمان‌دار (هدف) همان جمله است. بسیاری از زبان‌ها این رابطه مطابقه را بازنمایی می‌کنند، هرچند که میزان بازنمایی ممکن است از زبانی به زبان دیگر متفاوت باشد (آکما^۳ و دیگران، ۲۰۰۶).

در نهایت، جملات سببی به جملاتی گفته می‌شود که در آن‌ها فاعل از شخص دیگری خواسته، می‌خواهد یا خواهد خواست که فعل را برای او انجام دهد و خود فاعل فعل را انجام نداده است. کامری (۱۹۸۹: ۱۶۵) هر موقعیت سببی را دارای دو جزء می‌داند: خود سبب و اثر یا نتیجه سبب؛ برای مثال، می‌توان صحنه‌ای را مجسم کرد که شخصی منتظر است تا با اتوبوس به محل جلسه‌ای برود؛ اما، به‌علت نقص فنی اتوبوس روشن نمی‌شود. در این مثال ساده، روشن نشدن اتوبوس در نقش سبب و نرسیدن به جلسه در نقش اثر یا نتیجه ظاهر شده‌اند. این دو ریزموقعیت^۴ باهم ترکیب می‌شوند و درشت‌موقعیتی^۵ به‌نام موقعیت سببی را ایجاد می‌کنند.

از دیدگاه کامری (۱۹۸۹: ۱۶۶)، راه‌های متعددی برای بازنمایی موقعیت‌های سببی در زبان‌ها وجود دارد. وی براساس پارامتر صرفی رابطه صوری بین ریزموقعیت‌های سببی و درشت‌موقعیت حاصل، یک تمایز رده‌شناختی سه‌گانه معرفی می‌کند: ساخت‌های سببی تحلیلی، ساخت‌های سببی صرفی و ساخت‌های سببی واژگانی. همان‌طور که در مورد دیگر دسته‌بندی‌های صرفی صادق است، نمی‌توان انتظار داشت که ساخت‌های سببی زبانی لزوماً و کاملاً منطبق بر یک نوع یا بیشتر از این ساخت‌های سه‌گانه باشند.

در یک زبان خاص، فعل‌ها می‌توانند میزان ترکیبی‌بودگی کم یا زیاد داشته باشند؛ برای مثال، در زبان انگلیسی زمان گذشته ترکیبی‌تر از زمان آینده است. برای بررسی میزان ترکیبی‌بودگی یک فعل باید به‌دنبال صورت بیشینه تصریف‌شده آن فعل^۶ بود، یعنی صورتی از فعل که بیشترین میزان ترکیبی‌بودگی را دارد و این میزان براساس ارزش تعداد مقوله-در-واژه تعیین می‌شود. از (۱۴۵) زبان بررسی‌شده، رایج‌ترین ارزش‌های تعداد مقوله در واژه بین (۴) و (۸) (چیزی در حدود دوسوم کل نمونه‌ها) قرار دارد

1. controller

2. target

3. P. Ackema

9. micro-situation

10. macro-situation

6. maximally inflected verb form

و مد جهانی (۴) است (بیکل و نیکولز، ۲۰۱۳).

ترکیبی بودگی یک مقوله تصریفی فعل به‌طور مستقیم با فرایند وندافزایی مرتبط است. اگر یک مقوله تصریفی ترکیبی باشد، بازنمایی آن به‌صورت وندافزایی است. در صورتی که بازنمایی یک مقوله تصریفی فعل به‌صورت واژه‌ای جداگانه باشد (مانند بازنمایی زمان دستوری به‌وسیله افعال کمکی)، آن مقوله از نوع تحلیلی است. نوع دیگری از بازنمایی مقوله‌هایی تصریفی فعل که با تغییر شکل ساخت‌واژه صورت می‌گیرد (مانند صورت گذشته افعال بی‌قاعده در زبان انگلیسی) موضوع این پژوهش نیست.

۴- تحلیل داده‌ها

در این بخش، نظام فعل در کردی خزلی از نظر مقوله‌های تصریفی بررسی می‌شود. برای بررسی زمان دستوری، مطابق با کامری (۱۹۸۵) سه زمان: گذشته، حال و آینده را به‌کار می‌گیریم و در بررسی نمود نیز دسته‌بندی کلی کامری (۱۹۷۶) را مبنا قرار می‌دهیم. در بررسی وجه، دیدگاه کلی مورد اجماع قریب به اتفاق زبان‌شناسان - از جمله پالمر^۱ (۲۰۰۱)، میتون^۲ (۱۹۹۹) و استامپ (۲۰۰۱) - که وجه را دیدگاه گوینده نسبت به قطعی یا غیر قطعی بودن یا واقعی یا غیر واقعی بودن کنش یا وضعیتی می‌دانند، مبنای عمل قرار می‌دهیم؛ همچنین، پژوهش حاضر تنها به منفی‌سازی صرفی و سببی‌سازی صرفی که با مقوله‌های تصریفی فعل مرتبط‌اند، پرداخته است.

۴-۱- نظام زمان-وجه-نمود در کردی خزلی

1) ʔælən kətaw-æ' mæ-sin-əm
now book-Def AM³-buy-1 P⁴.SL⁵
الآن کتاب را می‌خرم.

زمان: حال - نمود: ناقص - وجه: اخباری

در مثال (۱)، ستاک مضارع *sin*، به‌همراه قید زمان بیان‌گر زمان حال است.

2) hæft-ε tər kətaw-æ' mæ-sin-əm
week-Indef next book-Def AM-buy-1 P.SL
هفته دیگر کتاب را می‌خرم (خواهم خرید).

1. F. R. Palmer
2. M. Mithun
3. aspect/mood
4. person
5. singular

زمان: آینده ساده - نمود: ناقص - وجه: اخباری

از نظر زمان دستوری، تفاوت جمله (۲) با (۱) تنها در قید زمان است که قید زمان *الآن* جمله (۱) را به صورت زمان حال و قید زمان *هفته دیگر*، جمله (۲) را به صورت زمان آینده بازنمایی می‌کنند. در مثال زیر نیز، وجه و نمود به صورت ترکیبی بازنمایی شده‌اند:

3) su wæxte der-əm kətə'w-æ mæ-sin-əm zæŋ beh-æ
tomorrow when will be-1 P.SL book-Def AM-buy-1 P.SL ring do-2 P.SL
فردا وقتی دارم کتاب می‌خرم، زنگ بز.

زمان: آینده - نمود: ناقص تداومی استمراری - وجه: اخباری

در مثال‌های (۱) تا (۳)، پیشوند *mæ-* که به ابتدای فعل افزوده شده، به صورت توأمان بیان‌گر ناقص بودن نمود و اخباری بودن وجه است. کلیت این موضوع در پایان همین زیربخش نشان داده شده است؛ بنابراین، در این مثال‌ها، نمود و وجه به صورت ترکیبی و پیشوندی از راه تصریف فعل بازنمایی شده‌اند. در کردی خزلی، زمان حال و آینده دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند؛ اما نمود ظاهری آن‌ها یکسان است و تنها موقعیت بافتی یا قیده‌های زمان تعیین‌کننده زمان دستوری فعل است. این موضوع با دیدگاه ویسی حصار (۱۳۹۴) در مورد زبان کردی موکریانی هم‌سو است که وی زمان آینده در زبان کردی را دارای هیچ‌گونه رمزنگاری مستقل ساخت‌واژی نمی‌داند؛ بلکه شرایط بافتی یا عبارات خاص زمانی مانند *قیود زمانی* از راه مطابقت مشخصه‌های نحوی - صرفی تفسیر این زمان را ممکن می‌سازد؛ برای مثال، در جملات بالا جمله (۱) بیان‌گر زمان حال، جمله (۲) نشان‌دهنده زمان آینده و جمله (۳) بیان‌گر زمان آینده استمراری است.

4) mə dəšt-əm kətə'w-æ mæ-sæn-jə-m
I was-1 P.SL book-Def AM-buy-progr-1 P.SL
من داشتم کتاب می‌خریدم.

زمان: گذشته - نمود: ناقص تداومی استمراری - وجه: اخباری

مثال‌های (۳) و (۴) نشان می‌دهند که کردی خزلی برای بازنمایی نمود ناقص استمراری از تصریف فعل کمکی *داشتن* استفاده می‌کند و این فعل کمکی پیش از فعل اصلی می‌آید. در مثال (۴)، بازنمایی نمود و وجه هم به صورت ترکیبی (از راه پیشوند *mæ-*) و هم به صورت تحلیلی (از راه صرف فعل *داشتن*) است؛ افزون بر این، بازنمایی زمان به وسیله ستاک ماضی (*sæn*) و مستمر بودن آن به صورت ترکیبی و به وسیله پسوند *-jə* انجام شده است.

- 5) kət'aw-æ mə-sæn-əm
book-Def AM-buy-1 P.SL

کتاب می‌خریدم.

زمان: گذشته - نمود: ناقص تداومی غیراستمراری - وجه: اخباری

در مثال (۵)، زمان دستوری فعل، ماضی استمراری است که بیان‌گر کنش یا وضعیتی است که در گذشته استمرار و ادامه داشته است؛ اما، زمان دستوری در مثال (۴) ماضی مستمر / ملموس است که بیان‌گر کنش یا وضعیتی است که در شرف انجام یا در حال رخ‌دادن است و این موضوع به‌صورت ترکیبی و به‌وسیلهٔ پسوند -jα- صورت‌بندی شده است.

- 6) der-əm kət'aw-æ mə-sin-əm
being-1 P.SL book-Def AM-buy-1 P.

دارم کتاب می‌خرم.

زمان: حال - نمود: ناقص تداومی استمراری - وجه: اخباری

در مثال‌های (۵) و (۶) نیز، بازنمایی وجه و نمود به‌صورت ترکیبی و به‌وسیلهٔ پیشوند -mæ- انجام شده است؛ همچنین، در مثال (۶) استمراری‌بودن نمود به‌صورت تحلیلی و ازراه فعل کمکی داشتن انجام شده است.

- 7) kətaw bə-sin-əm
book Mood-buy-1 P.SL

کتاب بخرم.

زمان: حال - نمود: ناقص - وجه: التزامی

- 8) ʔæɬær kətaw bə-sæn-jα-m ...
if book Mood-buy-Progr-1 P.SL

اگر کتاب می‌خریدم...

زمان: گذشته - نمود: ناقص - وجه: التزامی

در مثال‌های (۷) و (۸)، بازنمایی وجه به‌صورت ترکیبی و ازراه پیشوند bə- است و نمود بازنمایی صرفی ندارد. در مثال (۷)، بازنمایی زمان ازراه ستاک مضارع (sin) است؛ اما در مثال (۸)، بازنمایی زمان ازراه ستاک ماضی (sæn) و مستمربودن آن به‌صورت ترکیبی و ازراه پسوند -jα- صورت گرفته است.

- 9) kæškʰα kətaw-e bə-sæn-jα-m
wish book-Indef Mood-buy-Progr-1 P.SL

کاش کتابی می‌خریدم.

زمان: گذشته - نمود: ناقص - وجه: التزامی

در مثال (۹)، بازنمایی زمان ازراه ستاک ماضی (sæn) و مستمر بودن آن به صورت ترکیبی و ازراه پسوند -jɑ- صورت گرفته است. بازنمایی وجه به صورت ترکیبی و با استفاده از پیشوند bə- است، اما نمود بازنمایی صرفی ندارد.

10) kətaw sæn-y-m
book buy- Past Perfect-1 P.SL

کتاب خریده بودم.

زمان: گذشته - نمود: کامل - وجه: اخباری

در مثال (۱۰)، بازنمایی زمان ازراه ستاک ماضی (sæn) و بعید بودن آن به طور ترکیبی و با استفاده از پسوند -y- صورت گرفته است، اما وجه و نمود بازنمایی صرفی نداشته‌اند.

11) kətaw sæn-əm-æ
book buy-1 P.SL- Present Perfect

کتاب خریده‌ام.

زمان: حال کامل - نمود: کامل - وجه: اخباری

در مثال (۱۱)، بازنمایی زمان ازراه ستاک ماضی (sæn) و نقلی بودن آن به صورت ترکیبی و با استفاده از پسوند -æ- صورت گرفته است، اما وجه و نمود بازنمایی صرفی نداشته‌اند.

12) kətaw bə-sin
book Mood-buy

کتاب بخر.

زمان: حال - نمود: ناقص - وجه: امری

در مثال (۱۲)، بازنمایی وجه به صورت ترکیبی و با استفاده از پیشوند bə- صورت گرفته است، اما زمان و نمود بازنمایی صرفی نداشته‌اند.

مثال‌های پیش گفته نشان می‌دهند که در کردی خزلی حضور پیشوند mæ- بر سر فعل نشانه وجه اخباری و نمود ناقص - به صورت توأمان - است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۶۰۲) حضور پیشوند -æ- بر سر فعل در کردی بانه‌ای را نشانه نمود ناقص و وجه اخباری دانسته و از آن به مثابه نشانه وجه-نمود نام برده است؛ همچنین کریمی دوستان (۱۳۸۰: ۱۰۳) نیز در بررسی کردی بدره‌ای از گونه‌های کردی جنوبی استان ایلام، حضور پیشوند -æ- بر سر فعل را نشانه اخباری بودن وجه فعل می‌داند. مثال‌های

پیش‌گفته نشان می‌دهند که پیشوند *mæ-* بر سر فعل در گونه‌ی کردی خزلی مشابه پیشوند *æ-* بر سر فعل در برخی گونه‌های کردی از جمله کردی بانه‌ای، سنندجی و بدره‌ای ایلامی است.

همان‌طور که در مثال‌های قبل دیده می‌شود، در این گونه‌ی زبانی هرگاه زمان دستوری بازنمایی به صورت تصریفی داشته باشد، به شکل ترکیبی و پسوندی پس از ستاک ظاهر می‌شود. حضور پیشوند *bæ-* شرط لازم و کافی برای التزامی بودن وجه فعل است. تنها در حالتی که نمود ناقص به صورت استمراری باشد، افزون بر پیشوند *mæ-* از فعل کمکی داشتن برای بازنمایی نمود استفاده می‌شود که در این حالت، ناقص بودن نمود به صورت ترکیبی و با استفاده از پیشوند *mæ-* و استمراری بودن آن به صورت تحلیلی و با تصریف فعل داشتن بازنمایی می‌شود. این گونه‌ی زبانی از نوع ضمیرانداز^۱ است و عموماً ضمیر فاعلی در جمله بیان نمی‌شود.

۴-۲- قطبیت (منفی‌سازی) در کردی خزلی

برای منفی‌سازی صرفی، در این گونه‌ی زبانی در تمام زمان‌ها، پیشوند *næ-* یا *næ-* به ابتدای فعل اضافه می‌شود:

13) *ʔəlɔn wæ mædərəsæ nə-mæ-č-əm*
now to school Neg-AM-go-1 P.SL

الآن به مدرسه نمی‌روم.

14) *su wæ mædərəsæ nə-mæ-č-əm*
tomorrow to school Neg-AM-go-1 P.SL

فردا به مدرسه نخواهم رفت.

15) *wæ mædərəsæ næ-čI-m*
to school Not- went-1 P.S

به مدرسه نرفتم.

16) *nə-mæ-xwəs-əm kətaw bə-sin-əm*
Not-AM-wanted-1 P.SL book Mood-buy-1 P.SL

نمی‌خواستم کتاب بخرم.

17) *məʃin-əm nə-frut-əm-æ*
car-Poss Neg-sell-1 P.SL-Present Perfect

ماشینم را نفروخته‌ام.

18) *jæ əw qæzə nə-xwərd-y-m*
of that food Neg-eat-Past Perfect-1 P.SL

از آن غذا نخورده بودم.

فعل‌های امر منفی با افزودن *næ-* یا *mæ-* بر سر ستاک مضارع ساخته می‌شوند:

19) *næ-čũ-Ø* (*mæ-čũ-Ø*)

Neg-go-2 P.SL

نرو.

20) *n-awš-ən* (*m-awšə-n*)

Neg-say-2 P.PL¹

نگوید.

همان‌طور که در مثال‌های بالا دیده می‌شود، منفی‌سازی در کردی خزلی فرایندی ترکیبی و پیشوندی است. لمبتون (۱۹۷۴) و میرزایی (۱۳۹۳) منفی‌سازی در زبان فارسی را فرایندی ترکیبی و پیشوندی توصیف کرده‌اند و از این نظر، گونه کردی خزلی مشابه زبان فارسی است.

۴-۳- جهت در کردی خزلی

ماده مجهول‌ساز زمان گذشته در کردی خزلی، *-jɑ* است. این ماده مجهول‌ساز، در زبان‌های ایرانی باستان وجود داشته و در گونه‌های مختلف کردی به صورت *-jɑ* یا *-jæ* باقی مانده است.

21) *mɑšĩn-æ bər-jɑ*

car-Def take-Passive

ماشین برده شد.

22) *mɑšĩn-æ mæ-wər-jɑ*

car-Def AM-take-Passive

ماشین برده می‌شد.

23) *mɑšĩn-ejl-æ bər-jɑ-n*

car-PL-Def take-Passive-3 P.PL

ماشین‌ها برده شدند.

همان‌طور که در مثال‌های (۲۱) تا (۲۳) مشاهده می‌شود، هم‌سو با یافته‌های کریمی دوستان و ویسی حصار (۱۳۸۷)، ماده مجهول‌ساز در ساخت‌های مجهول در این گونه زبانی به صورت پسوندی با فعل ترکیب می‌شود. در این گونه زبانی در زمان‌های گذشته، فعل مجهول از ترکیب ستاک گذشته فعل به اضافه ماده مجهول‌ساز *-jɑ* ساخته می‌شود. از این رو، صورت مجهول در کردی خزلی به صورت پسوندی و ترکیبی است؛ اما در مثال‌های (۲۴) تا (۲۶) که زمان‌های حال و آینده را نشان می‌دهند، ماده

مجهول‌ساز بازنمایی صرفی ندارد.

- 24) mɑʃin-æ mæ-wər-e
car-Def AM-take-1 P.SL
ماشین برده می‌شود.
- 25) mɑʃin-ejl-æ mæ-wər-ən
car-PL-Def AM-take-3 P.PL
ماشین‌ها برده می‌شوند.
- 26) su mɑʃin-æ mæ-wər-e
tomorrow car-Def AM-take-3 P.SL
فردا ماشین برده خواهد شد.

۴-۴- سببی‌سازی در کردی خزلی

- 27) əjl-æ niʃ-tæ ry səndæli-æ
child-Def sit-3 P.SL on chair-Def
بچه روی صندلی نشست.
- 28) dɑʎəʃ-ə əjl-æ niʃ-ənæ ry səndæli-æ
mother-Poss child-Def sit-Causative on chair-Def
مادرش بچه را بر روی صندلی نشاند.
- 29) pejəʎ-ejl-æ šək-jən
cup-PL-Def break-Passive
استکان‌ها شکستند.
- 30) əjl-ejl-æ pejəʎ-ejl-æ šək-ən-ən
child-PL-Def cup-PL-Def break-Causative-3 P.PL
بچه‌ها استکان‌ها را شکستند (شکانیدند).

مثال‌های پیش‌گفته نشان می‌دهند که هم‌سو با توصیف لمبتون (۱۹۷۴) از فرایند سببی‌سازی در زبان فارسی معیار که به‌طور معمول با افزودن پسوند/نید به انتهای صورت مناسب فعل لازم، آن فعل را به‌صورت فعل متعدی در می‌آورد، در کردی خزلی نیز، ماده سببی‌ساز *-ən* به‌صورت ترکیبی و پسوندی به‌همراه فعل می‌آید.

۴-۵- مطابقه در کردی خزلی

برای بررسی وضعیّت مطابقه در این گونه زبانی، ابتدا یک فعل لازم و سپس فعلی متعدی بررسی می‌شود.

- 31) mə čI-m
I go-1 P.SL

- من رفتم.
 32) tə čɪ-d
 you go-2 P.SL
 تو رفتی.
 33) wej čɪ-Ø
 he/she go-3 P.SL
 او رفت.
 34) ʔimæ čɪ-mən
 we go-1 P.PL
 ما رفتیم.
 35) həmə čɪ-dən
 you go-2 P.PL
 شما رفتید.
 36) ʔæwən čɪ-n
 they go-3 P.PL
 آن‌ها رفتند.

همان‌طور که مثال‌های (۳۱) تا (۳۶) نشان می‌دهند، در این گونه زبانی در فعل لازم شناسه‌های مطابقه بین فعل و فاعل به صورت ترکیبی و پسوندی بازنمایی می‌شوند و در سوم شخص مفرد زمان گذشته ساده، شناسه مطابقه نمود صوری ندارد. در این گونه زبانی، شناسه‌های مطابقه در سوم شخص مفرد و اول شخص جمع در زمان‌های دستوری مختلف، دارای تغییرات جزئی است؛ اما صورت کلی آن‌ها مانند مثال‌های بالا است.

- 37) ʔimæ kətaw-æ bərd-im
 we book-Def take-1 P.PL
 ما کتاب را بردیم.
 38) mə Qæzɑ-ɟl-æ xwɑrd-əm
 I food-PL-Def eat-1 P.SL
 من غذاها را خوردم.
 39) pɟɑɪ-æ kətaw-eɪl-æ bərd-Ø
 man-Def book-PL-Def take-3 P.SL
 آن مرد کتاب‌ها را برد.

همچنین، مثال‌های (۳۷) تا (۳۹) نشان می‌دهند که در این گونه زبانی در فعل‌های متعدی هنگامی که مفعول به صورت مستقیم و غیر محذوف است، مطابقه بین فاعل و فعل متعدی به صورت ترکیبی و

پسوندی انجام می‌شود.

40) ʔimæ bərd-im-ən
we take-1P.PL-3 P.PL (obj)

ما بردیمشان.

41) ʔimæ bərd-im-ε
we take-1P.PL-1 P.SL (obj)

ما بردیمش.

42) mə bərd-əm-ε
I take-1 P.SL-3 P.SL (obj)

من بردمش.

مثال‌های (۴۰) تا (۴۲) نشان می‌دهند که در این گونهٔ زبانی اگر مفعول محذوف باشد، مطابقه بین مفعول محذوف و پی‌بست جایگزین آن که به صورت پسوندی و ترکیبی به فعل اضافه می‌شود صورت می‌گیرد. نتایج پیش‌گفته با توصیف دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۷۳۸) از نظام مطابقه در دو گونهٔ کله‌ری و کرماشانی از شاخهٔ کردی جنوبی منطبق است. وی نظام مطابقه در این دو گویش را از نوع فاعلی - مفعولی یگانه^۱ دانسته است. مثال‌های (۳۴) تا (۴۲) نشان می‌دهند که در گونهٔ کردی خزلی نیز نظام مطابقه از نوع فاعلی - مفعولی یگانه است. افزون بر این، بازنمایی این نظام به صورت ترکیبی و پسوندی است. گوهری و دیگران (۱۳۹۸) نیز با برشمردن عوامل مؤثر بر مطابقه در کردی ایلامی نتیجه می‌گیرند که نشانه‌های مطابقهٔ فاعلی و مفعولی به صورت ترکیبی روی فعل (پس از نشانهٔ زمان) آشکار می‌شوند.

۵- نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نظام زمان-وجه-نمود در کردی خزلی، به‌طور عمده به صورت ترکیبی بازنمایی می‌شود؛ اما مواردی نیز هست که بازنمایی وجه-نمود هم به صورت ترکیبی و هم به صورت تحلیلی است؛ برای مثال، در یک فعل، هرگاه نمود از نوع ناقص تداومی استمراری و وجه از نوع اخباری باشد، بازنمایی وجه-نمود به صورت ترکیبی به وسیلهٔ پیشوند *mæ-* که بر سر فعل می‌آید و بازنمایی استمراری بودن نمود به صورت تحلیلی و از راه فعل کمکی *داشتن* انجام می‌شود. در گونهٔ خزلی، وجود پیشوند *mæ-* بر سر فعل بیان‌گر اخباری بودن وجه و نیز ناقص بودن نمود آن فعل - به صورت توأمان -

۱- به‌باور دبیرمقدم (۱۳۹۲)، نظام مطابقه در دو گویش کردی بانه و سنجی که به گروه گویشی کردی مرکزی تعلق دارند، از نوع دوگانه و شامل نظام مطابقهٔ فاعلی - مفعولی درمورد فعل‌های حال و نظام مطابقهٔ غیر فاعلی - مفعولی برای فعل‌های گذشته است.

است. نتایج پژوهش حاضر در ارتباط با قطبیت نشان داد که این مقوله در گونه کردی خزلی مقوله‌ای ترکیبی است. در این گونه زبانی، با توجه به اینکه زمان حال و آینده به یک شکل بازنمایی می‌شوند، در هردو مورد از فعل کمکی استفاده نمی‌شود و مقوله تصریفی منفی‌سازی کاملاً ترکیبی است.

در کردی خزلی، ماده مجهول‌ساز برای فعل‌های دارای زمان دستوری گذشته *ja*- است که به صورت ترکیبی و پسوندی با فعل عمل می‌کند؛ اما، در زمان‌های حال و آینده ماده مجهول‌ساز بازنمایی صرفی ندارد؛ همچنین، در کردی خزلی ماده سببی‌ساز، *an*- است که به صورت ترکیبی پسوندی به همراه فعل می‌آید. در ارتباط با مطابقه، معلوم شد که در کردی خزلی، شناسه‌های مطابقه بین فعل و فاعل به صورت ترکیبی و پسوندی بازنمایی می‌شوند. در زمان گذشته ساده در سوم‌شخص مفرد، نشانه مطابقه وجود ندارد. در این گونه زبانی، شناسه‌های مطابقه در سوم‌شخص مفرد و اول‌شخص جمع در زمان‌های دستوری مختلف تغییرات جزئی دارند؛ اما صورت کلی آن‌ها پسوندی و ترکیبی است؛ افزون بر این، نظام مطابقه از نوع فاعلی - مفعولی یگانه است. میزان ترکیبی‌بودگی مقوله‌های تصریفی فعل براساس صورت پیشینه تصریف‌شده آن فعل، یعنی صورتی از فعل که بیشترین میزان ترکیبی‌بودگی را دارد، تعیین می‌شود. طبق این معیار، میزان ترکیبی‌بودگی مقوله‌های تصریفی فعل براساس ارزش تعداد مقوله در واژه تعیین می‌شود.

جدول (۱). وضعیت ترکیبی / تحلیلی‌بودگی مقوله‌های تصریفی فعل در گونه کردی خزلی

ارزش مجموع	مقوله‌های تصریفی فعل					فرم بازنمایی	گونه زبانی
	سببی‌سازی	مطابقه	جهت	قطبیت	زمان-وجه-نمود		
۶-۷	۷	۷	۷	۷	۷	ترکیبی	کردی خزلی
					۷	تحلیلی	
	۱	۱	۱	۱	۲-۳	تعداد مقوله در واژه	

با توجه به اینکه هر سه مقوله تصریفی زمان، وجه و نمود به طور عمده بازنمایی صرفی دارند؛ اما در بیشتر موارد دو مورد از این سه مقوله به صورت هم‌زمان و ترکیبی در ساختمان فعل بازنمایی می‌شوند، ارزش تعداد مقوله در واژه برای مقوله زمان-وجه-نمود (۲) تا (۳) در نظر گرفته می‌شود. این ارزش برای بقیه مقوله‌ها برابر (۱) است. براساس این، ارزش تعداد مقوله-در-واژه برای مقوله‌های تصریفی فعل در این گونه زبانی (۶-۷) است. رایج‌ترین ارزش تعداد مقوله-در-واژه برای بیشتر زبان‌های بررسی‌شده دنیا بین (۴) و (۸) است؛ بنابراین، براساس یافته‌های پژوهش حاضر، کردی خزلی در زمره زبان‌های رایج دنیا رده‌بندی می‌شود.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی (جلد دوم)*. تهران: سمت.
- عباسی، بیستون و آرزو نجفیان (۱۳۹۵). نظام زمان-وجه-نمود در گویش هورامی پاوه. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۱ (۱)، ۷۲-۹۱.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۰). *کردی ایلامی (بررسی گویش بدره)*. سنندج: دانشگاه کردستان.
- و رحمان ویسی حصار (۱۳۸۷). حفظ یک ماده‌ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۴۱ (۱۶۱) ۱۳۷-۱۴۷.
- گوهری، حبیب، زهرا شرفخانی و اکبر عزیزی‌فر (۱۳۹۸). بررسی نظام مطابقه در کردی ایلامی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۷ (۲۴)، ۴۹-۷۲.
- میرزایی، آزاده (۱۳۹۳). فعل‌های چندپاره زبان فارسی. *مجله علم زبان*، ۲ (۲)، ۵۳-۷۰.
- ویسی حصار، رحمان (۱۳۹۴). زمان و نمود در کردی موکریانی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۲ (۸)، ۱۰۱-۱۲۴.

References

- Ackema, P., Brandt, M. Schoorlemmer & F. Weerman (2006). *Arguments and Agreement*. Oxford: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. & R. M. W. Dixon (1998). Dependencies between Grammatical Systems. *Language*, 74, 56-80.
- Augustine, S. (1960). *The Confessions of St Augustine*. Trans. and intro. John K. Ryan (Ed.). Garden City: Image (Doubleday).
- Bickel, B., & J. Nichols (2013). *Inflectional Synthesis of the Verb*. Available at: <http://wals.info/chapter/22>.
- Bolinger, D. (1968). Postposed main phrases: An English rule for Romance subjunctives. *Canadian Journal of Linguistics*, 14 (1), 3-30.
- Booij, G. (2007). *The grammar of words. An introduction to linguistic morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
- (1989). *Language Universals & Linguistic Typology: Syntax & Morphology*. Oxford: Blackwell.
- Dryer, M. S. & M. Haspelmath (Eds.) (2013). *Surveying Inflectional Synthesis of the Verb*. Available at: <http://wals.info/chapter22>.
- Givón, T. (2001). *Syntax, an introduction*. Volume I. John Benjamins Publishing Company: Amsterdam / Philadelphia.
- Lambton, A. K. S. (1974). *Persian Grammar: Including Key*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lieber, R. (2009). *Introducing Morphology*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Mithun, M. (1999). *The languages of Native North America*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (2001). *Mood and Modality*. 2nd Ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Shopen, T. (1981). *Language Typology and Syntactic description, 2nd Ed. (Volume III), Grammatical Categories and the Lexicon*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Stump, G. T. (2001). *Inflection, The Handbook of Morphology*. Blackwell Publishing.